

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

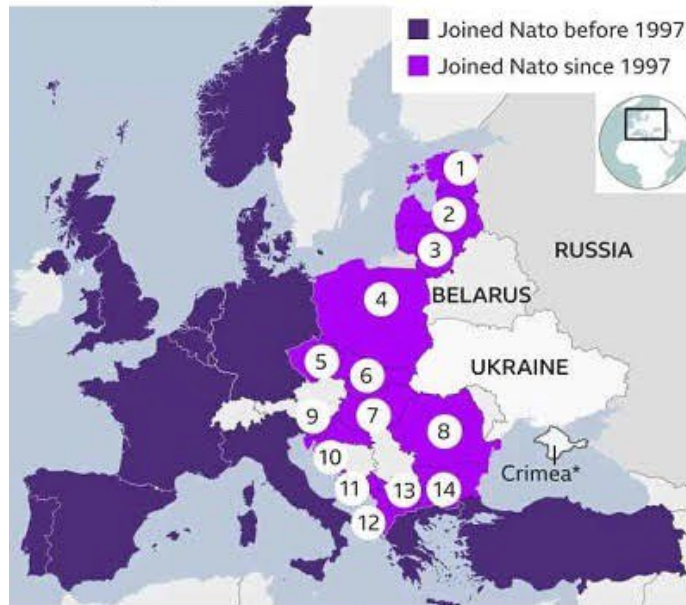
Political

سیاسی

اسکات ریتر (کنسرسیوم نیوز، ۲۷ فیروری ۲۰۲۲)  
برگردان: طلحه حسنی  
۰۶ مارچ ۲۰۲۲

**نداشتن درک واحد نسبت به مناقشه کنونی در غرب و روسیه،  
می تواند برای جهان مهلک باشد.**

Nato's expansion since 1997



ولادیمیر پوتین یک دیوانه است. او خود را گم کرده است. این حداقل چیزی است که رهبران غرب علاقه دارند شما باور کنید. علی الظاهر بر اساس روایت آنها، پوتین – منزوی، تنها، گیج و عصبانی از فاجعه نظامی در حال وقوع روسیه در اوکراین – بند و زنجیر گسیخته کل جهان را به نابودی هسته‌ای تهدید کرد.

رئیس‌جمهور روسیه روز یکشنبه (۸ اسفند [حوت] -م.) در دیدار با جنرال‌های ارشد خود اعلام کرد: "به وزیر دفاع و رئیس ستاد کل نیروهای مسلح روسیه دستور می‌دهم نیروهای بازدارنده ارتش روسیه را در حالت ویژه از خدمات رزمی قرار دهند."

پوتین درباره دلیل این اقدام توضیح داد، در رابطه با تحولات جاری در اوکراین، "کشورهای غرب نه تنها در حوزه اقتصادی اقدامات غیردوستانه علیه کشور ما انجام می‌دهند، بلکه مقامات ارشد ناتو، درباره کشور ما مواضع تهاجمی اتخاذ می‌نمایند."

"نیروهای بازدارنده" که پوتین از آن صحبت کرد اشاره به زرادخانه هسته‌ای روسیه است.

آنچه موجب انعکاس بیش از پیش سخنان رئیس جمهور روسیه شد این بود که پوتین پنجشنبه گذشته (۵ اسفند [حوت] -م) هنگام اعلان آغاز "عملیات نظامی ویژه" روسیه علیه اوکراین، گفت: "هیچ کس نباید شک داشته باشد که حمله مستقیم به کشور ما منجر به ویرانی خواهد شد و عواقب وحشتناکی برای هر متجاوز احتمالی خواهد داشت." وی تأکید کرد که روسیه "یکی از قدرتمندترین قدرت‌های هسته‌ای است و همچنین دارای برتری خاصی در طیف وسیعی از سلاح‌های پیشرفته است"

بعد از اعلان این تهدید توسط پوتین، واشنگتن پست آن را "تنها یک بلوف و چنگ و دندان نشان دادن" توصیف کرد. پنتاگون در حالی که انگار خود مشغول بررسی وضعیت هسته‌ای ایالات متحده بود که برای مقابله با چنین تهدیداتی طراحی شده است، با نوعی گیجی و ناباوری، از زبان یک مقام ناشناس گفت که سیاست‌گذاران ایالات متحده "در این زمینه افزایش تهدیدی نمی‌بینند"

"اقدامات روسیه تهدیدی جدی برای امنیت یوروآتلانتیک است و پیامدهای ژئواستراتژیک خواهد داشت. ناتو برای تضمین امنیت و دفاع از همه متحدان به اتخاذ همه اقدامات ضروری ادامه خواهد داد. ما در حال استقرار نیروهای بیشتر زمینی و هوایی و همچنین تجهیزات بحری بیشتر در بخش شرقی ائتلاف هستیم. ما آمادگی نیروهای خود را برای پاسخگویی به همه موارد احتمالی افزایش داده‌ایم."

اما در قسمت پایانی این بیانیه نکته مستتری وجود دارد که اگر با دقت بیشتر مورد بررسی قرار گیرد، دلیل اصلی قدرت‌نمایی هسته‌ای پوتین را نشان می‌دهد. در بیانیه آمده است: "ما بنا بر ماده ۴ معاهده واشنگتن رایزنی‌هایی انجام داده‌ایم. ما تصمیم گرفته‌ایم، در راستای برنامه‌ریزی دفاعی خود برای حفاظت از همه متحدان، برای تقویت بیشتر [توان] بازدارندگی و دفاع در سراسر اتحادیه قدم‌های بیشتری برداریم."

بر اساس ماده ۴، اعضای ناتو می‌توانند هر موضوع نگران‌کننده، به ویژه مربوط به امنیت یک کشور عضو را، برای بحث در شورای آتلانتیک شمالی پیشنهاد نمایند. به دنبال تهاجم روسیه به اوکراین اعضای ناتو: استونی، لتونی، لیتوانی و پولند، خواهان مذاکره درباره ماده ۴ شدند. بنس ستولنتبرگ دبیرکل ناتو، در بیانیه‌ای که روز جمعه (۶ اسفند [حوت] - م.) منتشر کرد، با گسترش بیانیه اولیه ناتو، اعلام کرد، ناتو متعهد به حفاظت و دفاع از همه متحدان خود از جمله اوکراین است.

سه نکته در این بیانیه قابل توجه است:

اول، با استناد به ماده ۴، ناتو خود را در موضع اقدام بالقوه نظامی تهاجمی قرار می‌دهد. مداخلات نظامی قبلی ناتو علیه صربستان در سال ۱۹۹۹، افغانستان در سال ۲۰۰۱، عراق در سال ۲۰۰۳ و لیبیا در سال ۲۰۱۱، همگی به استناد ماده ۴ منشور ناتو انجام شدند. از این منظر، این فرض که ناتو صرفاً یک سازمان دفاعی و متعهد به دفاع از خود جمعی است، بی‌اساس است.

دوم، در حالی که مفاد ماده پنجم (دفاع جمعی) تنها برای اعضای واقعی ناتو است، که اوکراین شامل آن نمی‌شود، ماده ۴ اجازه گسترش چتر محافظتی ناتو به آن دسته از اعضای غیرناتو را می‌دهد که از نظر اعضای ناتو متحد آنها محسوب می‌شوند. این همان دسته‌بندی است که ستولنتبرگ اوکراین را به وضوح در آن قرار داده است.

سرانجام، پذیرش اوکراین به عنوان متحد ناتو توسط ستولنتبرگ همزمان با اعلام فعال‌سازی و استقرار ۴۰ هزار نیروی واکنشی قدرتمند ناتو صورت گرفت که برخی از آنها در جناح شرقی ناتو هم‌مرز با اوکراین مستقر خواهند شد. فعال‌سازی نیروی واکنشی در تاریخ ناتو بی‌سابقه است، واقعیتی که بر جدیت کشوری مانند روسیه برای این که مشمول چنین اقدامی گردد صحنه می‌گذارد.

با نگاه از این منظر، اظهارات پوتین در پنجشنبه گذشته سنجیده، عاقلانه و مسؤولانه بود.

از زمانی که رایزنی‌های مربوط به ماده ۴ شروع شد، اعضای ناتو با وعده کمک‌های نظامی بیشتر در روزها و هفته‌های آینده، شروع به ارسال کمک‌های نظامی مرگبار به اوکراین کرده‌اند. برای رساندن این محموله‌ها به اوکراین تنها راه، راه زمینی است که نیازمند عبور از کشورهای اعضای ناتو رومانی و پولند است. ناگفته پیداست که بر اساس قوانین بین‌المللی هر وسیله نقلیه حامل تجهیزات نظامی مرگبار به یک منطقه جنگی، یک هدف قانونی محسوب می‌شود؛ این می‌تواند تماماً شامل ارسال یا تحویل هر محموله وابسته به ناتو گردد که بنا بر خواست آنها توسط یکی از اعضای ناتو انجام می‌شود.

چه اتفاقی خواهد افتاد اگر روسیه به محموله‌های تسلیحاتی ناتو، اتحادیه اروپا، ایالات متحده و متفقین که به خاک اوکراین می‌رسند، حمله کند؟ آیا ناتو مطابق ماده ۴، برای اولین بار با استفاده از بسیج نیروی واکنشی، یک منطقه حائل در اوکراین ایجاد خواهد کرد؟ به طور طبیعی هر یک، دیگری را به دنبال خواهد داشت...

اگر اتحادیه اروپا به تعهد خود مبنی بر تأمین هواپیما و خلبان برای اوکراین جهت جنگ با روس‌ها عمل کند، این سناریو می‌تواند حتی از این هم وخیم‌تر شود. چگونه این‌ها در اوکراین مستقر می‌شوند؟ چه پیش خواهد آمد اگر روسیه به محض ورود این هواپیماها به حریم هوایی اوکراین اقدام به سرنگونی آنها کند؟ آیا در این صورت ناتو منطقه پرواز ممنوع بر فراز غرب اوکراین ایجاد می‌کند؟

چه پیش خواهد آمد اگر یک منطقه پرواز ممنوع (که بسیاری از مقامات در غرب آن را مطرح می‌کنند) همراه با استقرار نیروهای واکنشی عملاً یک قلمرو ناتو در غرب اوکراین ایجاد نماید؟ و نیز چه خواهد شد اگر دولت اوکراین در شهر لووف موضع بگیرد و زیر چتر حفاظتی هوایی و زمینی آن فعالیت کند؟

روسیه در جون ۲۰۲۰، سندی تحت عنوان "اصول اساسی سیاست دولت فدراسیون روسیه درباره بازدارندگی هسته‌ای" منتشر کرد و در آن شرایط و تهدیدی‌هایی را که می‌تواند روسیه را به استفاده از سلاح هسته‌ای بکشاند، مشخص کرد. این سند روسیه در حالی که "سلاح هسته‌ای را تنها به عنوان وسیله بازدارندگی" معرفی می‌کند، اما سناریوهای متعددی را نیز در نظر دارد تا در صورت شکست بازدارندگی آنها، استفاده از سلاح هسته‌ای را امکان‌پذیر سازد.

هرچند در سند سیاست هسته‌ای روسیه استفاده پیشگیرانه از سلاح‌های هسته‌ای در مناقشات متعارف منظور نشده است، اما اعلام شده است، "در صورت وقوع یک درگیری نظامی، این سیاست برای جلوگیری از تشدید اقدامات نظامی و پایان آن شروطی را که برای فدراسیون روسیه و/یا متحدان آن قابل قبول باشد فراهم می‌کند."

به طور خلاصه، روسیه احتمالاً تهدید می‌کند که برای جلوگیری از "تجاوز به فدراسیون روسیه با استفاده از سلاح‌های متعارف زمانی که موجودیت کشور در خطر قرار گیرد" از تسلیحات هسته‌ای استفاده خواهد کرد.

پوتین در دسامبر گذشته در توصیف نگرانی‌های امنیت ملی روسیه برای ایالات متحده و ناتو، کاملاً روشن کرد که موضع او در برابر عضویت اوکراین در ناتو چیست. روسیه در دو پیش‌نویس سند معاهده، از ناتو خواست برای توقف

توسعه خود ضمانت‌های کتبی بدهد و روسیه را مطمئن سازد که هرگز نه به اوکراین و نه به گرجستان پیشنهاد عضویت در این ائتلاف را نخواهد داد.

به طور خلاصه، پوتین روشن کرد که وقتی مسأله عضویت اوکراین در ناتو، استقرار راکت‌های ایالات متحده در پولند و رومانی، و استقرار ناتو در اروپای شرقی مطرح شد، روسیه احساس کرد که موجودیت این کشور در معرض تهدید است.

حمله روسیه به اوکراین، از نگاه روسیه و رهبری آن، نتیجه تجاوز طولانی‌مدت ناتو به منافع مشروع امنیت ملی دولت و مردم روسیه بود. اما غرب این حمله نظامی را چیزی در حد اقدام غیرمنطقی یک دیکتاتور عصبانی منزوی، که به شدت به دنبال ایجاد رابطه در دنیای خارج از کنترل خود است، تفسیر کرد.

تفاوت بین این دو روایت می‌تواند برای جهان مهلک باشد. روسیه در حالی که درگیر عملیات نظامی است که آن را برای امنیت ملی خود حیاتی می‌داند، هم به دلیل پیشروی‌های ناتو و هم به واسطه ارسال کمک‌های نظامی مرگبار به اوکراین احساس خطر می‌کند. کم‌اهمیت جلوه دادن تهدیدی که روسیه به این دلایل احساس می‌کند، امریکا و ناتو را در معرض خطری قرار می‌دهد که ناشی از ناتوانی آنها در درک جدیت مرگبار دستورات پوتین به رهبران نظامی خود در خصوص ارتقای سطح آمادگی نیروهای راهبردی هسته‌ای روسیه است.

دستورات پوتین بسیار بیش از آن که بازتاب تخیلات غیرمنطقی یک آدم مستأصل باشد، بازتاب تحول منطقی وضعیت امنیت ملی هماهنگ روسیه در سال‌های احیای آن است، جایی که مخالفت ژئوپلیتیک با گسترش ناتو به اوکراین با وضعیت ستراتیژیک هسته‌ای همراه شد. هر اعلام موضع پوتین در طول این بحران، به این سیاست گره خورده است. در حالی که ایالات متحده و ناتو می‌توانند در مورد مشروعیت نگرانی‌های روسیه به بحث بنشینند، رد کردن ستراتیژی امنیت ملی یک کشور که به دقت مورد بررسی همه‌جانبه قرار گرفته است، به عنوان نه چیزی بیش از عصبانیت یک خودکامه غیرقابل کنترل، نشان از یک بی‌توجهی خطرناک به واقعیتی دارد که عواقب آن می‌تواند برای ایالات متحده، ناتو و جهان مهلک باشد.

پرزیدنت پوتین اغلب شکایت کرده است که غرب زمانی که او درباره مسایلی که به نظر روسیه برای امنیت ملی آن دارای اهمیت حیاتی است، حرف می‌زند، به او گوش نمی‌دهد.

غرب الان گوش می‌کند. اما سؤال این است که آیا قادر به درک جدیت موقعیت هست؟  
جواب تا کنون، ظاهراً، منفی است.

**مجله دانش و مردم**